

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### بررسی روایات باب در مرحله تحقیق

عرض کردیم برای این که نظر روایات را در باب علم اجمالی بفهمیم و برای این که منشأ قول برخی محدثین که قائل شده اند علم اجمالی حکم شک را دارد، بدانیم و همچنین برای این که بفهمیم سؤال از مخالفت در اطراف علم اجمالی می شده است یا خیر، وارد روایات باب می شویم. آقایان که می گویند مسأله خیلی عقلی و روشن است، ببینیم روایات در این باب سؤال کرده اند یا خیر، چرا که اگر روایات سؤال می کردند یا ائمه علیهم السلام به گونه ای جواب می دادند که از آن استفاده جواز می شد، بحث از وضوح فاصله خواهد گرفت. البته در کتب اصول در این قسمت ظاهراً کسی وارد روایات نشده است ولی همه ی آقایان در بحث اشتغال وارد شده اند و توجیهشان هم این است که در این جا می خواهیم ببینیم اقتضاء عقل چیست، اما بعد اگر پذیرفتیم که علیت نیست وارد روایات می شویم تا ببینیم جعل ترخیص برای مخالفت شده است یا نه؛ ولی نگاه ما این است که چه بسا با مراجعه به روایات نظرشخص از علیت یا حتی از اقتضاء بر گردد، کما این که کسانی که قائل به این هستند که علم اجمالی مثل شک است مشرب اخباری دارند؛ مثل مرحوم مجلسی یا مرحوم فیض یا گرایش اخباری دارند؛ مثل ص مدارک. حال سوال این است چرا ایشان برخلاف دیگران قائل به کالشک بودن علم اجمالی هستند و آن دسته از اخباری ها هم که قائل به کالشک بودن علم اجمالی نیستند، نهایتاً قائل به اقتضاء می باشند.

مرحوم ص حدائق در مقدمه حدائق بحثی مطرح می کنند و می فرمایند: از طرف مشهور اصحاب در شبهه غیر محصوره به طهارت و حلیت مشتبّه حکم شده است. بعد می فرماید: ظاهر کلام ص مدارک اقتضاء دارد، بلکه تصریح دارد که حتی شبهه محصوره را هم باید به شبهه غیر محصوره ملحق کنیم. و اجتناب لازم نیست. ص حدائق گوید سید سند درجائی که دو ظرف مشتبّه می شود یا جائی که سجده گاه مشتبّه می شود که طاهر است یا نجس فرموده است لزوم اجتناب ندارد. بعد ص حدائق گوید درست است بحث سید سند طاهر مشتبّه به نجس می باشد ولی به توجه به مبنای ایشان باید در حلال مشتبّه به حرام هم اجتناب را لازم ندانست. بعد می فرماید: اتفاقاً مرحوم فیض در همان بحث حلال و حرام هم قائل به عدم اجتناب شده است. تردیدی نیست منشأ فکر ایشان اخبار است لذا باید سراغ روایات برویم.

#### روایت اول

رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ أَبَدًا حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ مِنْهُ بَعِينَهُ فَتَدَعَهُ (من لا يحضره الفقيه ؛ ج 3 ؛ ص 341)

سند روایت صحیح اعلائی است. اولاً واسطه کم است و ثانیاً روایت هم از رجال جلیل القدرند.

نکته 1: در این روایت دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: بعینه تاکید تعرف باشد. یعنی حرام را از آن حرام بشناسی دقیقاً

احتمال: یا بعینه می خواهد بگوید: خود مورد حرام را بشناسی.

در احتمال اول می خواهد شک و گمان و اطمینان را خارج کند که این با یقین اجمالی می سازد؛ لذا اگر دو غذا داریم که یکی حلال است یکی حرام می توانیم بگوئیم اعرف الحرام منه بعینه ولی احتمال دوم گوید خود مورد حرام را بعینه بشناسی که علم اجمالی هم از مورد روایت خارج می شود و مثل شک و گمان می شود.

نکته 2: این روایت ظاهرش شبهه موضوعیه است و نسبت به شبهه حکمیه این تعبیر را بکار نمی برند . بعنوان مثال وقتی نسبت

